

احسان اله ربیعی

درس سوم درباره فلسفه و زندگی است، در ابتدای درس داستان ماهیگیر و تاجر آمده است که بیانگر دو نوع نگاه به زندگی است و بر اساس همین نوع نگاه روش آنها برای رسیدن به هدف و نیز معنا و هدف زندگی از نظر آنها باهم متفاوت است

هر کسی بر اساس باورها و نوع نگاهی که به زندگی و دنیا دارد زندگی می کند

بر اساس این باورها تصمیم می گیرد، عمل می کند، اگرچه ممکن است دلایل بعضی از باورها را نداند

~ بادقت و مطالعه در رفتار دیگران میتوان ریشه های فکری، طرز فکر و عقاید، اهداف، و معنای زندگی از نظر آنها پی برد

_ کسانی که درباره باورهای خودمی اندیشند و سعی میکنند ریشه باورها و چرایی قبول آنها را کشف کنند و بنیانهای فکری خود را در چارچوب عقل و منطق قرار بدهند اهل تفکر فلسفی هستند

_ اندیشیدن فیلسوفانه عبارت است از:

- 1، دقت و تعمق در باورهای مربوط به زندگی
- 2، آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها
- 3، پذیرش باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست
- 4، ساختن بنیانهای فکری، رسیدن به ازاداندیشی، و کسب شخصیت مستقل

معنای زندگی:

باورها:

الف،، فلسفه مارامی سازند

ب،، نقشی مهم در انتخاب هدف دارند

ج،، به مامی گویند چه چیزی را هدف زندگی قرار دهیم و از چه فرار کنیم

احسان اله ربیعی

د، فلسفه هر کس معنادهنده به زندگی اوست

#بر اساس مطالعه باورها و اهداف زندگی انسانها به سه دسته تقسیم میشوند:

1، آنها که درباره حقیقت کمتر می اندیشند، به اموخته هایشان قانع اند و بدون دقت و دنباله روی دیگرانند، یعنی اکثریت عوام

2، آنها که درباره امور فکر میکنند، به دانش درست درباره جهان و انسان می رسند، و هدف و معنای قابل قبولی را در زندگی حاصل می کنند

3، آنها که نگرش درستی درباره جهان و انسان دارند ولی در انتخاب هدف و معنای زندگی دچار اشتباه شده اند

#فوائد تفکر فلسفی:

1، دوری از مغالطه ها:

تشخیص مغالطه و خارج کردن آن از باورها مهمترین فایده منطق است

فلسف از این توانایی منطقی کمک می گیرد تا:

الف، اندیشه های درست را از تفکرات نادرست تشخیص دهد

ب، راه رسیدن به اعتقادات درست هموار شود

ج، فهم درستی از حقایق هم درباره هستی و هم زندگی ارائه دهد و با گفتاری خالی از مغالطه بیان کند

د، بابیان نمونه هایی از مغالطه را جهت عبرت دیگران تلاش میکند، چون افرادی باور هایشان ناشی از مغالطه ها انتخاب شده است

2، استقلال در اندیشه:

فیلسوف واقعی:

الف، هیچ سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد

ب، عقیده اش را بر پایه خیالات و تعصب بنامی کند

احسان اله ربیعی

ج، درباره استدلالها می اندیشد تا به اگر درست بودند آنها را بپذیرد
د، فرق فیلسوف بادیگران:

1، در باره مسایلی مثل خدا، آزادی و..... بنحوی می اندیشد

2، باروش درست و ارداین مسایل شده و پاسخ میدهد

3، تابع برهان و استدلال است و نه افراد و اشخاص

3، رهایی از عاداتهای غیر منطقی:

گاهی افراد جامعه افکاری را می پذیرند که پشتوانه عقلی و منطقی
ندارد و از روی عادت و بدون دلیل پذیرفته شده است

* اما افراد متفکر این افکار را مورد نقد و بررسی قرار می دهند و اگر با عقل و منطق
منطبق نبودان را نمی پذیرند و تلاش میکنند مردم را از باطل بودنش آگاه کنند

رفتار مردم با این متفکران:

در ابتدا افکارشان را قبول نکرده و آن را باطل و انحرافی می دانند، ولی
استقامت متفکران حقجو، موثر واقع میشود و با آشکار شدن بطلان آن
عقاید، مردم عقاید باطل خود را کنار گذاشته و به حقیقت روی می آورند

مثال برای استقلال اندیشه و رهایی از عادات:

افلاطون فیلسوف یونانی در کتاب، جمهوری، مثالی آورده است که به تمثیل
غار معروف است

_ هدف او نشان دادن این نکته است که چگونه فلسفه انسان را به سمت آزادی
حقیقی هدایت میکند

_ توضیح تمثیل غار را در صفحه 25 بخوانید

احسان اله ربیعی

ماهگیر: اما بعدش چی می آید؟
تاجر: بهترین قسمت همین است. در یک موقعیت مناسب می زوی و سهام شرکت را به قیمت خیلی بالا می فروشی. این کار میلیون ها دلار عایدی دارد.
ماهگیر: میلیون ها دلار خوب بعدش چی؟
تاجر: آن وقت دیگر باز نشسته شده ای؛ می زوی به یک دهکده ساحلی کوچک! جایی که تا دیروقت می توانی بخوابی! یک کم ماهیگیری کنی، با بچه هایت بازی کنی! می توانی به داخل دهکده بروی و تا دیروقت با دوستانت بگویی و بخندی!
ماهگیر تأملی کرد و گفت:
خب، من الان هم همین کار را می کنم!

۲

۱۱۲. چرن ما شیفر در گذشته زندگی داشت نری کرد بر این طرح است نه آینه، ادبی را نه تاجر

بوردی

۱ چرا ماهیگیر از پیشنهاد تاجر استقبال نکرد؟
۲ این دو سبک متفاوت زندگی ریشه در چه دیدگاه هایی دارد؟
۳ آیا همه می توانند بر اساس نگاه ماهیگیر یا تاجر زندگی کنند؟

بسیار بهتر است که در زندگی این را در نظر بگیرد

۱. مکزیکوئیتی پایتخت مکزیک، لس آنجلس، شهری مهم در آمریکا و نیویورک مرکز اقتصادی و فرهنگی آمریکاست.

۲۰

تب تقسیم کرد عمل باورها

زندگی ان غایت در همه چیزه کی داد؛ نفس دامت باور را در زندگی نویسیم؛

هر یک از ما باورهایی درباره جهان، انسان، مرگ، عدالت، زیبایی و نظایر آن داریم که گاه با باورهای دیگران یکسان است و گاهی هم متفاوت و مختلف. ما با همین باورها زندگی می کنیم و بر اساس آنها تصمیم می گیریم و عمل می نماییم. شاید دلایل برخی از این باورها را بدانیم و برای برخی هم دلیلی نداشته باشیم و صرفاً طبق عادت آنها را قبول کرده باشیم. اگر ما اطرافیان خود را زیر نظر بگیریم، می توانیم از لابه لای حرف هایی که می زنند یا رفتارهایی که دارند، برخی از ریشه های فکری آنان را کشف کنیم و بدانیم که آنها چه عقیده و طرز فکری دارند و اگر بتوانیم این طرز فکرها و عقیده ها را خوب تحلیل کنیم، می توانیم حدس بزنیم که آنها در زندگی خود به

لذت در رفتار و عمل
این باورها تا چه حد توان گرفت؟
۳۷

دنبال چه اهدافی هستند و زندگی برای آنان چه معنایی دارد. اصل فکر فلسفی همین نیست؟ در مسائل باور را نفوذ مطلق
البته برخی انسان ها، فارغ از اشتغالات روزانه، لحظاتی به تفکر درباره باورهای خود می پردازند و نسبت به پذیرش آن باورها می اندیشند. آنان می خواهند به ریشه باورهای خود برسند و چرایی قبول آنها را مرور کنند. اینان، در حقیقت، اهل تفکر فلسفی هستند و می کوشند بنیان های فکری

خود را در چارچوب عقل و منطق قرار دهند. عبارت فکر فلسفی را نویسیم. هدف لذت اندیشی منطقی است؟ چه چیزی است؟
از رانندگی به عبارت دیگر: اندیشیدن فیلسوفانه غور در باورهای مربوط به زندگی است؛ آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها؛ پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست. در این صورت، خودمان بنیان های فکری خود را می سازیم و به آزاداندیشی می رسیم. شخصیتی مستقل کسب می کنیم.

معنای زندگی فلسفه زندگی هر کس هرگز نیست؛ ما در این حیطه با تئوری های در انتخاب هدف و در زندگی اودارند؟

این باورها که فلسفه ما را می سازند، نقش تعیین کننده در انتخاب اهداف دارند. به عبارت دیگر: این باورها هستند که به ما می گویند چه چیزی را هدف زندگی قرار دهیم، و از چه چیزی گریزانیم تا تئوری ما دره باشیم. بنابراین می توان گفت:

فلسفه هر کس معنا دهنده به زندگی اوست.

برای مطالعه بررسی باورهای انسانها و اهداف آن، به چند مورد تقسیم می شوند، دیدگاه هر یک را در باره آن (دینی) نویسیم؛
با توجه به مطالب فوق می توانیم مردم را به سه دسته تقسیم کنیم:

۱. برخی آدم ها کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند و به همان اندازه ای که از دور و برشان آموخته اند، قناعت می کنند، در نتیجه در انتخاب هدف نیز دقت نظر چندانی ندارند و بیشتر دنباله روی دیگرانند. کمتر درباره حقیقت انسان و جهان می اندیشند

به آن چه آموخته اند مانع اند و دنباله روی دیگرانند

ارابه سوال ۴ صفحه قبل

برخی آدمها در این امور می اندیشند و در بسیاری موارد به دانشی درست درباره جهان و انسان می رسند؛ در نتیجه می توانند هدف قابل قبولی برای زندگی برگزینند و زندگی آنان معنای درستی پیدا کند.

برخی نیز نگرشی نادرست درباره جهان و انسان دارند. اینان، در انتخاب هدف به خطا رفته و زندگی آنان معنای نادرستی به خود گرفته است.

۱۴

تأمل

می گویند وقتی فقر تالس را به رخش کشیدند، تمام پولی را که داشت به ودیعه نهاد و دستگاه های روغن زیتون گیری کرایه کرد. هنگام چین محصول که دستگاه ها مورد نیاز بود، آنها را به قیمتی که می خواست، به دیگران واگذار کرد. با این عمل نشان داد که اگر دارایی و ثروتی ندارد، ناتوانی او در کسب پول نیست. او به چیزهای دیگری دلبستگی دارد.

آیا می توانید حدس بزنید که او درباره زندگی چگونه می اندیشیده و چه هدفی در زندگی داشته؟ هر دو را بنویسید. رنگ یا پرده را بر سرش زده بود و به سطح آن آرزوی زندگی در آن را می کرد.

آثار روانی تفکر فلسفی را در دو مورد از توضیح رسیده [دار]

برخی فواید تفکر فلسفی

دانستیم که فلسفه هر کس نقش اساسی در معنا بخشی به زندگی او دارد. حال اگر انسان قدرت تفکر خود را افزایش دهد و با استفاده از قواعد تفکر، در امور فلسفی بیندیشد، به فواید و ثمرات دیگری نیز دست می یابد، از جمله:

نقش تفکر فلسفی را در دور زدن مغالطه ها بنویسید:

۱. دوری از مغالطه ها

سال گذشته در کتاب منطق، با انواع مغالطه ها، آشنا شدیم. یکی از فواید آموختن منطق توانایی تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باورهاست. فلسفه از این توانایی منطقی کمک می گیرد تا اندیشه های فلسفی درست از تفکرات غلط تشخیص داده شود و راه رسیدن به اعتقادات درست هموار گردد.

فلسوفان می کوشند با کاستن از مغالطه ها، فهم درستی از حقایق، چه در عالم

۱. سر گذشت فلسفه، برای منگی، ص ۱۳

لایه ایمان زنده

بیشتر بدانیم

۱۲. این سخن را در نظر بگیرید. فلسفه زندگی خود را به شناخت درستی برسم. اما در میان این همه اندیشه های گوناگون چگونه می توانم به نتیجه اطمینان بخش نائل شوم؟

در اینجا باید به چند نکته اشاره کنیم:

۱. این خواست واراده و تلاش، خودش ارزشمند است. هر حقیقت طلبی بالاخره به مقصود و مطلوب خود دست خواهد رسید.

۲. بگوئیم هر نظری را که می خواهیم انتخاب کنیم، دلیل آن را در همان جایی که توان فکری ما اجازه می دهد، بنویسیم.

۳. تلاش کنیم تخیلات، توهمات، بر واقعیت منطبق و اموری از این قبیل را از خود دور کنیم و عقل و منطق را بر خود حاکم سازیم.

۴. رسیدن به حقیقت را بر هر چیز دیگری ترجیح دهیم، هر چند تلخ باشد و به مذاق ما خوش نیاید.

۵. از آثار و نوشته ها و سخنان متفکرین قابل اعتمادی که زندگی آنان گویای باورهای درست آنان است، کمک بگیریم.

۶. به هر باور درست و قابل اعتمادی که می رسیم عمل کنیم تا گام های بعدی را با قدرت بیشتری برداریم.

۷. اگر ما این نکات را رعایت کنیم، در بسیاری موارد به نتایج درست می رسیم. اگر در چند مورد محتود هم به اشتباه دچار شویم، با وجدان آسوده، اصلاح خطاهای خود را دنبال رعایت می کنیم.

۸. هدف بیرون از ما نیست. هدف فلسفه زنده، ترغیب منطقی و توانایی تشخیص مغالطه ها است.

۹. هدف بیرون از ما نیست. هدف فلسفه زنده، ترغیب منطقی و توانایی تشخیص مغالطه ها است.

۱۰. هدف بیرون از ما نیست. هدف فلسفه زنده، ترغیب منطقی و توانایی تشخیص مغالطه ها است.

۱۱. هدف بیرون از ما نیست. هدف فلسفه زنده، ترغیب منطقی و توانایی تشخیص مغالطه ها است.

۱۲. هدف بیرون از ما نیست. هدف فلسفه زنده، ترغیب منطقی و توانایی تشخیص مغالطه ها است.

بیشتر بدانیم

اگر فلسفه هر کس مناجش زندگی اوست، پس دین چه نقشی در زندگی دارد؟

در پاسخ به این سوال نیز می‌گوییم:

۱. هیچ وقت یک دین حق، از ما

نمی‌خواهد که برای رسیدن به

حقیقت هفت نکته قبل را زیر پا

بگذاریم؛ به‌طور مثال خداوند در قرآن

کریم می‌فرماید: «بندگانم را مژده بده،

آن بندگان که سخنان را می‌شنوند و

بهترینشان را ازینش می‌کنند، اینانند

که خداوند آنان را راه‌نموده و اینانند که

اهل خرد و تفکرند.»

۲. بنیان‌های هر دینی که همان

بنیان‌های فلسفی آن است، باید با

تفکر و استدلال پذیرفته شود و دین

حق پشتوانه استدلالی خود را عرضه

می‌کند؛ یعنی نیاز به دین‌داری یک

پشتوانه استدلالی فلسفی است که در

دانشی به نام «فلسفه دین» که خود

یکی از فلسفه‌های مضاف است،

مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۱

۳. هر کس که با استدلال، دین حق

و درست را پذیرفت، به‌طور طبیعی

به محتوای آن دین عمل می‌کند

و همان دین به زندگی او هدف و

معنای درست می‌بخشد.

۴. نکات هفتگانه قبل می‌تواند ما را در

رسیدن به دین حق کمک کند و از

تعصبات غلط و بی‌راهه‌ها نجات دهد.

۱. سوره زمر، آیات ۱۷ و ۱۸

۲. در این باره می‌توانید به کتاب‌های

مانند فلسفه دین از آقای جوادی آملی

انتشارات اسراء، فلسفه دین از جان هیک

انتشارات بین‌المللی الهدی، کلام فلسفه

از محمدحسن قدرتیان قراملکی، انتشارات

و توفیق مراجعه کنید.

هستی و چه در مسائل بنیادی زندگی، ارائه دهند و آن را با گفتار مناسبی که خالی

از مغالطه باشد، بیان کنند آنها همچنین می‌کوشند نمونه‌هایی از مغالطه‌های

فلسفی را جهت عبرت گرفتن دیگران، نشان دهند؛ چرا که برخی افراد گاهی

بدون اینکه دقت کنند، در زندگی خود، باوری را که مبنای آن یک مغالطه است،

پذیرفته و براساس آن تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند.

۵

۲. استقلال در اندیشه را فریاد می‌گویند که از فریاد برتر منشی توضیح نصیبه

فلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی‌پذیرد و عقیده‌اش را بر پایه

خیالات، تبلیغات و تعصب بنا نمی‌کند. او درباره استدلال‌ها می‌اندیشد و اگر

به درستی‌شان پی ببرد، آنها را می‌پذیرد. عموم مردم در مسائل بنیادین فلسفی

می‌اندیشند و نظر می‌دهند؛ درباره خدا، آزادی، اختیار، خوشبختی و رنج فرق

فلسوف با مردمان دیگر این است که اولاً فیلسوف درباره همین مسائل به نحو

جدی فکر می‌کند؛ ثانیاً با روش درست وارد این قبیل مسائل می‌شود و پاسخ

می‌دهد. او تابع برهان و استدلال است؛ نه تابع افراد و اشخاص.

درس آموزی

ارسطو، فیلسوف بزرگ یونانی، سال‌های فراوانی شاگرد افلاطون بود. او

استاد خود را بسیار دوست می‌داشت. اما در هر موضوعی، تا خودش قانع

نمی‌شد، آن را نمی‌پذیرفت. به همین جهت در برخی مسائل با استاد خود

اختلاف نظر پیدا کرد. برخی او را سرزنش می‌کردند که چرا نظر استاد خود را

رد می‌کند. مشهور است که وی در جواب می‌گفت:

«افلاطون برای من عزیز است، اما حقیقت عزیزتر است.»

از این حکایت کوتاه و جمله ارسطو چه درس‌هایی می‌توان گرفت؟

این جمله به نام برهان دستمال باشد در تمام افراد و جای

در روابط و دوستی‌ها و خانوادگی در

تفکر و فلسفه در زندگی انسان از عادات غیر منطقی (طرد)

۳. رهایی از عادات های غیر منطقی

بیشتر بدانیم

شکایت یک فیلسوف

ملاحظه فرمایید که در آینده از او بیشتر یاد خواهیم کرد در شکایت از برخی مردم زمانه خود می گوید: گرفتار کسانی شده ام که فهم و اندیشه از افق وجودشان غروب کرده؛ چشمانشان از مشاهده ابواب حکمت نابیناست و بصیرتشان از دیدن تجلیات معرفت ناتوان است. تفکر در امور الهی و آیات سبحانی را بدعت می شمارند و مخالفت با افکار عوام را، که هر روزی به دنبال یک چیز هستند، گمراهی می پندارند. اینان دیدگاهشان از همین امور جسمانی و قید و بندهای آن فراتر نمی رود و فکرشان از این غلظت ها و تاریکی ها گامی بیرون نمی گذارد. هر دیدگاه علمی و عرفانی و هر مسیر فلسفی را حرام می دانند و طرد می کنند و آنان را که توانسته اند اسرار الهی و اشارت های رمزگونه انبیا را درک کنند، منحرف می شمارند. در نزد اینان هر کس که در مرداب جهل و کودنی بیشتر فرو رفته و از نور علم محروم تر است، شریف تر و داناتر و شایسته تر است.

در بسیاری از مواقع، افراد یک جامعه افکار و عقایدی را می پذیرند که پشتوانه عقلی و منطقی محکمی ندارند، بلکه بر اثر مرور زمان و یا انتقال از نسلی به نسل بعد، به صورت یک عادت در آمده است و اکثر افراد جامعه، بدون دلیل آنها را پذیرفته اند.

افراد متفکر و اندیشمند این جوامع (این قبیل افکار را مورد نقد و ارزیابی می کنند) قرار می دهند و اگر منطبق با عقل و استدلال نبود، آنها را نمی پذیرند و تلاش می کنند سایر مردم را نیز به باطل بودن آن افکار آگاه کنند.

۴

از آنجا که این قبیل عقاید و افکار مورد پذیرش مردم است، در ابتدا مردم سخنان این متفکران را نمی پذیرند و حتی دیدگاه آن متفکران را باطل و انحرافی می نامند.

البته استقامت و پایداری متفکران حق طلب و دلسوز، بالاخره مؤثر واقع می شود و باطل بودن آن افکار و عقاید، با درخشش حقیقت، به تدریج نمایان می گردد و بسیاری از مردم عقاید باطل خود را کنار می گذارند و به حقیقت رو می آورند.

هدف از تامل در زبان تمثیل غار، برداشتن تمثیل در کتاب اول طرح شده است. مثالی برای استقلال در اندیشه و رهایی از عادات



افلاطون که از بزرگ ترین فیلسوفان تاریخ است، تمثیلی دارد که به «تمثیل غار» مشهور است. او در این تمثیل می خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند. ما این تمثیل را که در کتاب جمهوری افلاطون آمده با اندکی تغییر و ساده کردن عبارت ها در اینجا می آوریم:

«غاری را در زیر زمین در نظر بیاورید که در آن مردمانی به بند کشیده شده و توانایی حرکت و جابه جایی ندارند. روی این مردم به دیوار جلو و پشتشان به



منزل ملاصدرا در کهنک قم

۱. الاسفار الاربعه، ج ۱، مقلده

۱. تمثیل غار افلاطون، بیان تمثیلی مجموعه فلسفه اوست که دارای ابعاد مختلفی است. از این تمثیل می توان به سادگی و در همان قسمت، بعدی از این تمثیل بیان کرد.

